

رای برگزیده

استقلال شرط داوری از قرارداد پایه: «در ماده ۹ قرارداد مستند دادخواست، اختیارات داور از ناحیه طرفین محدود نشده بلکه به صورت مطلق بیان شده لذا داور صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به اصل لزوم قراردادها، حتی رسیدگی به اختلافات مرتبط با اصل صحت را نیز داشته است».

پرونده کلاسه ... شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران

خواهان: آقای س

خوانده: شرکت م

خواسته ها : ۱. دستور موقت ۲. مطالبه خسارت ۳. ابطال رأی داور (غیرمالی) ۴. مطالبه

خسارت دادرسی

بسمه تعالی.

به تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ در وقت فوق العاده جلسه شعبه ۱۰۷ دادگاه حقوقی تهران، بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از درگاه خداوند متعال مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه بدوی

دعوی خواهان آقای س فرزند علی با وکالت آقای **** و آقای **** علیه خوانده **** ایستایس بخواسته دستور موقت (دایر بر توقف اجرای رای داوری تا صدور رای نهایی) و ابطال رأی داور (غیرمالی) (مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳) و مطالبه خسارت (کلیه خسارات قانونی و هزینه های دادرسی) (الزام خوانده به پرداخت کلیه خسارات دادرسی اعم از هزینه های

دادرسی و حق الوکاله وکیل - هزینه کارشناسی - هزینه های معاینه و تحقیق محلی هزینه ایاب و ذهاب (شهود)) به مبلغ ۳'۱۰۰'۰۰۰ ریال و مطالبه خسارات دادرسی، وارد نیست؛ زیرا وکیل خواهان در جلسه دادرسی اعلام داشت؛ "داور رای به تایید فسخ قرارداد صادر نموده در حالی که شرط داوری در قرارداد پایه شرط مستقل نمی باشد لذا به لحاظ عدم استقلال شرط داوری رای داور مبنی بر تایید فسخ و اعمال ضمانت اجرای فسخ با پرداخت خسارت باطل است؛" اما ایراد وکیل خواهان مبنی بر عدم استقلال شرط داوری از اساس مردود بوده و بصورت بدیهی مغایر با منطق حقوقی است؛ چراکه به موجب ماده چهارصد و شصت و یک قانون آیین دادرسی مدنی هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می کند. به موجب این ماده قرارداد داوری به عنوان حقوق تضمین کننده یا حقوق آیینی مستقل از قرارداد اصلی یا پایه به عنوان حقوق تعیین کننده می باشد؛ حتی اگر قرارداد داوری بصورت شرط نیز در قرارداد اصلی درج شود این شرط داوری مستقل از قرارداد اصلی بوده و به هیچ عنوان شرط ضمن عقد موضوع قانون مدنی محسوب نمی شود؛ زیرا شرط ضمن عقد موضوع قانونی مدنی در قالب شرط صفت، فعل و نتیجه اساسا تابع موضوع قرارداد اصلی بوده؛ موضوع قرارداد اصلی که ماهیت آن حقوق تعیین کننده یا ماهوی است. بنابراین شرط داوری به سبب ماهیت آیینی خود اساسا نمی تواند شرط صفت یا فعل یا نتیجه موضوع قرارداد اصلی باشد؛ بلکه شرط داوری بیانگر نهاد، مرجع و شیوه رسیدگی به اختلافات راجع به موضوع قرارداد اصلی بوده و حدود اختیارات داور نیز ناشی از اراده طرفین است. در ماده ۹ قرارداد مستند دادخواست اختیارت داور از ناحیه طرفین محدود نشده بلکه بصورت مطلق بیان شده لذا داور صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به اصل لزوم قراردادها؛ حتی رسیدگی به اختلافات مرتبط با اصل صحت را نیز داشته است. دادگاه به استناد مواد ۲-۶۶۱-بند یک-۴۸۹ و ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می دارد.

رای حضوری و ظرف بیست روز پس از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان تهران می باشد .

رئیس شعبه ۱۰۷ دادگاه حقوقی تهران -فتح- (عبداله پور)ملکی

یادداشت

رای شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران از آراء ارزشمندی است که دارای سه ویژگی است: نخست آنکه برخلاف برخی تردیدها در مورد استقلال شرط داوری قاطعانه بر این استقلال تاکید می‌ورزد. دوم آنکه تلاش می‌کند تا دلایل و مبانی استقلال شرط داوری از قرارداد پایه را مدلل و مبرهن نماید و سوم اینکه دادگاه به روشنی توانسته آنچه را که در مقام بیان آن بوده در رای بگنجاند.

موضوع پرونده درخواست ابطال رای داوری است. خواهان معتقد است که رای داوری باید ابطال شود زیرا داور وارد مسئله فسخ قرارداد شده و حکم به تایید فسخ قرارداد و جبران خسارت داده است در حالی که شرط داوری، شرط مستقل نیست و داور نمی‌تواند به مساله فسخ قرارداد رسیدگی کند. دادگاه با اشراف به این موضوع که اختیارات داور ناشی از توافق طرفین است و طرفین می‌توانند حل و فصل «همه اختلافات» یا برخی از آنها را به داور بسپارند یا اینکه داور را از ورود به برخی موضوعات منع کنند چنین استدلال می‌کند که: «در ماده ۹ قرارداد مستند دادخواست اختیارات داور از ناحیه طرفین محدود نشده بلکه به صورت مطلق بیان شده لذا داور صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به اصل لزوم قراردادها، حتی رسیدگی به اختلافات مرتبط با اصل صحت را نیز داشته است» و در نتیجه حکم به بطلان دعوای خواهان صادر کرده است.

رای شعبه ۱۰۷ از این نظر شایسته تحسین است که هنوز برخی دادگاهها در مورد استقلال شرط داوری از قرارداد پایه تردید دارند. مبنای این تردیدها مسئله «لزوم تبعیت شرط از عقد» است که پیش از آنکه حکم شرع یا قانون باشد یک قاعده منطقی و عقلی است که وقتی قرارداد از بین می‌رود منطقاً شرط ضمن آن نیز از بین می‌رود. پس اگر قراردادی فسخ شده باشد شرط ضمن آن نیز از میان رفته است.

ماده ۲۴۶ قانون مدنی متضمن همین قاعده است:

« در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل میشود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد میتواند عوض او را از مشروط له بگیرد».

با وجود این، تحولات حقوق مدنی نشان داده است که شرط داوری از جمله شروط ضمن عقد نیست

تا صحت و بطلان آن تابع قرارداد پایه باشد بلکه شرط داوری هرچند شکل و شمایل شرط دارد ولی ماهیتاً یک قرارداد مستقل است.

اما چرا شرط داوری قرارداد مستقل تلقی شود؟ دادگاه از این منطق پیروی کرده که شرط در حقوق مدنی و به حکم ماده ۲۳۴ قانون مدنی بر سه قسم تقسیم شده است: شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل. اما از آنجا که شرط داوری هیچ کدام از اینها نیست پس شرط داوری شرط نیست بلکه قرارداد جداگانه‌ای است.

باری، استقلال شرط داوری از قرارداد پایه دلایل روشنی دارد و از رهیافت‌های مهم حقوق داوری است که مورد پذیرش نظام‌های گوناگون حقوقی قرار گرفته است. «نمونه قانون» آنسیترال^۱ که البته مربوط به داوری‌های بین‌المللی است، در نسخه سال ۱۹۸۵ - که اکنون ۴۰ سال از آن می‌گذرد - تصریح می‌کند که شرط داوری مستقل از قرارداد اصلی است. این حکم با تصویب «قانون داوری تجاری بین‌المللی» در سال ۱۳۷۶ وارد نظام حقوقی ایران شده است: بند ۱ ماده ۱۶ «قانون داوری تجاری بین‌المللی» چنین مقرر می‌کند:

«۱. داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود، تصمیم "داور" در خصوص بطلان و ملغی‌الاثربودن قرارداد، فی‌نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود».

اما چنین حکمی در بخش داوری قانون آیین دادرسی مدنی وجود ندارد و بر این اساس، برخی نتیجه می‌گیرند که استقلال شرط داوری به زور قانونگذار در داوری‌های بین‌المللی قابل

¹ UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration

پذیرش و اعمال است ولی در مورد داوری‌های داخلی، قاعده اصلی که همان قاعده تبعیت شرط از عقد است بر جای خود استوار باقی می‌ماند. اما این استدلال بسیار لفظ‌گرایانه و دور از فلسفه‌ها و منطق‌ها و قواعد تفسیر است.

شرط داوری همچنان که در رای دادگاه نیز به آن اشاره شده در واقع توافق برای تعیین مرجع حل اختلاف است و روشن است که توافق برای تعیین مرجع حل اختلاف غیر از توافق برای انجام یک معامله یا یک تجارت است.

همچنین باید خاطر نشان کنیم که شرط تعیین مرجع حل و فصل اختلافات تنها مربوط به «شرط داوری» هم نیست. در سال ۲۰۰۵ میلادی شماری از دولت‌ها معاهده‌ای را منعقد کرده‌اند تا به شرط «تعیین دادگاه صالح» نیز اعتبار ببخشند.^۱ یعنی نه تنها طرفین دعاوی بازرگانی می‌توانند بر داوری توافق کنند بلکه می‌توانند «دادگاه یکی از کشورها» را به عنوان مرجع صالح بشناسند. چنین شرطی هنوز در نظام حقوقی ما و بسیاری از دولت‌ها پذیرفته نیست ولی دولت‌های عضو کنوانسیون در شرایط مقرر در کنوانسیون به آن شرط تعیین دادگاه صالح ترتیب اثر می‌دهند.

اما حکم مقرر در ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی یکی از یافته‌های دانش حقوق است که قانون داوری تجاری بین‌المللی به آن تصریح نموده ولی مقررات داوری قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ که تکرار همان مقررات در قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۸۱ است به این مهم توجه نداشته تا به آن تصریح نماید. ما باید قوانین گذشته را - تا آنجا که ممکن و میسر است - با دریافت‌ها و دانش کنونی بفهمیم و تفسیر کنیم. اگر چنین نباشد قوانین در چارچوب‌های گذشته منجمد می‌شوند.

آری طرفین یک قرارداد داوری می‌توانند به داور اختیار بدهند تا به «کلیه اختلافات» میان آنها رسیدگی بکند یا اینکه صرفاً به برخی از اختلافات رسیدگی کند یا اینکه برخی اختلافات مثلاً

¹ Convention of 30 June 2005 on Choice of Court Agreements

فسخ یا بطلان قرارداد را از شمول صلاحیت داور خارج کنند. در این صورت، روشن است که داور نمی‌تواند به همه اختلافات رسیدگی کند. در رای شعبه ۱۰۷ به همین موضوع نیز اشاره شده است.

نکته مهم دیگر اینکه تنها شرط داوری نیست که از شروط مستقل به شمار می‌آید. در تحولات حقوق قراردادها شروط دیگری نیز به عنوان شروط مستقل شناخته شده‌اند و بر همین اساس شروط مندرج در قراردادها را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: شروط وابسته و شروط مستقل. مثلاً شرط محرمانگی که در قراردادهای تجاری می‌آید و طرفین توافق می‌کنند که قراردادشان افشا نشود از جمله شروط مستقل است؛ یعنی در صورت پایان یافتن یا فسخ یا بطلان قرارداد، باز آن تعهد محرمانگی بر جای خود باقی می‌ماند یا شرط حق مالکیت فکری یا شرط تضمین کیفیت یا خدمات پس از فروش، که این‌ها در فرض به هم خوردن قرارداد بر سر جایشان باقی می‌مانند. بر همین اساس، قانونگذار فرانسه در اصلاحاتی که در سال ۲۰۱۶ در قانون مدنی اعمال کرد تصریح کرده است که فسخ و بطلان قرارداد دو دسته از شروط را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد: یکی شروط مربوط به نحوه حل و فصل اختلافات و دوم شروطی که هدفشان این است که در فرض فسخ تولید اثر کنند.

محمد جواد شریعت باقری

سرمدبیر نشریه و قاضی پیشین دیوان عالی کشور